

## نقش تحولات روابط روسیه با غرب

### در همکاری اقتصادی ایران با کشورهای قفقاز جنوبی (۲۰۱۴-۲۰۱۹)

الهه کولایی<sup>۱</sup>

علی اکبر جوکار<sup>۲</sup>

نگاه جمهوری اسلامی ایران به روابط با سه کشور قفقاز جنوبی گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان از زمان استقلال این کشورها در سال ۱۹۹۱ همیشه ایجابی و با هدف بهره‌وری بوده است. با این حال، روابط اقتصادی با این کشورها با وجود ظرفیت‌ها و زمینه‌های فراوان همکاری، هیچگاه به نقطه مطلوب خود نرسیده است. اگرچه متغیرهای مهمی مانند ماندن ظرفیت و ویژگی‌های اقتصادی ایران و مشکلات ناشی از تحریم‌های آمریکا و سازمان ملل در دوره‌های مختلف را می‌توان از موانع اصلی رشد این همکاری‌ها برآورد کرد ولی نمی‌توان تاثیر عوامل ژئوپلیتیک از جمله مشکلات روابط ایران با اروپا و آمریکا و نقش رقابای منطقه‌ای مانند روسیه و ترکیه بر چگونگی همکاری اقتصادی با کشورهای قفقاز جنوبی به‌ویژه در حوزه انرژی را نادیده گرفت. در پی تشدید اختلاف‌های روسیه با اروپا و آمریکا پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ که سبب اعمال تحریم‌های گسترده علیه این کشور شد، توجه روسیه به سوی همکاری‌های اوراسیایی و همکاری با همسایگان از جمله ایران بیشتر شد. توافقی هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۵ در سال ۲۰۱۵ و رفع تحریم‌های سازمان ملل نیز عامل مهم دیگری بود که زمینه همکاری ایران با همسایگان از جمله کشورهای قفقاز جنوبی را بهبود بخشید. بر این اساس این مقاله با توجه به متغیر روسیه به عنوان مهم‌ترین بازیگر قفقاز جنوبی که نگاه رقابتی نسبت به حضور دیگر کشورها در منطقه دارد در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا تحولات روابط روسیه با اروپا و آمریکا به‌ویژه بعد از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و اعمال برخی تحریم‌ها علیه این کشور از سوی غرب که موجب تقویت اوراسیاگرایی روسیه شد، بر روابط ایران با کشورهای قفقاز جنوبی تاثیر داشته است؟ و در صورت پاسخ مثبت این تاثیر چگونه بوده است؟ فرضیه نویسندگان این است که رقابت منطقه‌ای روسیه با همسایگان خود در منطقه قفقاز جنوبی در پی تحولات ژئوپلیتیک و تشدید اختلاف‌های این کشور با اروپا و آمریکا در سال ۲۰۱۴ در تقویت همکاری اقتصادی ایران با سه کشور قفقاز جنوبی تاثیرگذار بوده است. در این مقاله با استفاده از روش تبیینی و تحلیلی تحولات روابط ایران و کشورهای قفقاز جنوبی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ با توجه به عامل روسیه بررسی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** تحریم، روسیه، ایران، قفقاز جنوبی و روابط اقتصادی.

<sup>۱</sup>. نویسنده مسئول، استاد گروه مطالعات منطقه‌ای، گرایش مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران، ایران.

Email: ekolaee@ut.ac.ir

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران، ایران.

Email: a.jowkar93@gmail.com

- این مقاله علمی \_ پژوهشی می‌باشد. تاریخ دریافت ۹۹/۹/۱۴ و تاریخ پذیرش ۹۹/۱۰/۲۱

## مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان در پایان سال ۱۹۹۱، جمهوری اسلامی ایران در اولین فرصت اقدام به شناسایی استقلال این کشورها و برقراری روابط دیپلماتیک با آنها کرد. گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری از ابتدا جایگاه ویژه‌ای در تنظیم روابط ایران و این کشورها داشت. انتظار می‌رفت با توجه به ظرفیت‌ها و برتری‌های همسایگی، همکاری اقتصادی با منطقه قفقاز جنوبی روند به رشدی داشته باشد؛ موضوعی که تحقق آن مستلزم سطحی از همکاری ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بود. به عبارت دیگر، نفوذ تاریخی و سنتی روسیه در کنار حضور آمریکا، ترکیه و کشورهای اروپایی در قفقاز جنوبی عوامل مهمی بودند که می‌توانستند بر چگونگی روابط اقتصادی ایران با سه کشور قفقاز جنوبی تاثیرگذار باشند. در یک‌سو، رفتار خصمانه آمریکا با ایران و ایجاد محدودیت در حوزه همکاری‌های اقتصادی به‌ویژه نفت و گاز، مانع جدی در شکل‌گیری روابط همه‌جانبه اقتصادی با کشورهای قفقاز جنوبی بود. از سوی دیگر، موضوع استخراج نفت و گاز حوزه دریای خزر و صادرات آن به اروپا، مساله مهمی برای کشورهای منطقه به‌ویژه روسیه بود که بتواند برای خود در این بخش برتری قابل ملاحظه‌ای را ایجاد و حفظ کند. در این زمینه همکاری ایران با این کشورها با توجه به پیوندهای فراوان فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی و برخورداری از منابع غنی هیدروکربنی نمی‌توانست از نظر رهبران آمریکا و روسیه دور بماند. با توجه به همگرایی بیشتر این دو کشور در سال‌های دهه ۹۰ میلادی، برخی رفتارهای هم‌سو ولی مستقل این کشورها، سبب ایجاد محدودیت‌های جدی برای ایران شد.

با شروع بحران اوکراین و پیوسته‌سازی کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، اختلاف‌های کشورهای غربی با روسیه وارد مرحله جدیدی شد که نتیجه آن اعمال برخی تحریم‌ها علیه این کشور از سوی اروپا و آمریکا بود. وقوع رخداد‌های بعدی از جمله حضور نظامی روسیه در سوریه، ادعای تبلیغات روسیه در تخریب نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر در غرب و انجام حمله‌های سایبری علیه کشورهای غربی و بالاخره اتهام مسموم‌کردن سرگئی اسکریپال<sup>۱</sup>، مامور امنیتی پیشین روس در سال ۲۰۱۸، سبب وضع تحریم‌های گسترده‌تر علیه روسیه

<sup>۱</sup>. Sergei Skripal

شد (Timofeev and Morozov, 2019:4). در نتیجه اختلافها و رقابت‌های ژئوپلیتیک روسیه و ایالات متحده آمریکا به‌عنوان دو قدرت برتر نظامی جهان که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا آن زمان به صورت غیرمستقیم جریان داشت، آشکار و شکل دیگری به‌خود گرفت. در این مرحله، توجه سیاست خارجی روسیه بیش از گذشته به تقویت همکاری با قدرت‌های آسیایی و نیز همسایگان معطوف شد. به این ترتیب همکاری در چارچوب نهادهای اقتصادی منطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیایی<sup>۱</sup> اهمیت بیشتری یافت. در این میان تقویت همکاری با ایران که با وجود توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵، همچنان ایالات متحده را بزرگترین دشمن خود می‌دانست و خروج آمریکا از توافق هسته‌ای (برجام)<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۸ و اعمال تحریم‌های گسترده‌تر علیه ایران آن را تشدید کرده بود، می‌توانست یکی از گزینه‌های روسیه باشد. به‌ویژه آنکه دو طرف از یک تجربه موفق در مبارزه با تروریسم و همکاری در کنترل بحران سوریه برخوردار بودند.

از طرف دیگر با امضای توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ در سال ۲۰۱۵، همکاری اقتصادی ایران با سه کشور قفقاز جنوبی با توجه به فضای ناشی از لغو تحریم‌های بین‌المللی وارد روند روبه‌رشدی شد. هم‌زمان در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ با اعمال تحریم‌های اروپا و آمریکا علیه روسیه، گرایش این کشور برای تقویت روابط اوراسیایی بیشتر شد و تغییرهایی در سیاست این کشور نسبت به این منطقه شکل گرفت. به بیان دیگر نتیجه دو رخداد توافق برجام و لغو تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران و نیز تشدید اختلاف‌های روسیه با آمریکا و اروپا، سبب شد توجه روسیه به همسایگان و سیاست اوراسیایی تقویت شود. روسیه برای جبران خسارت‌های ناشی از تحریم غرب، همکاری‌های منطقه‌ای و تقویت روابط با همسایگان از جمله ایران را مورد توجه بیشتر قرار داد.

بر این اساس نویسندگان با توجه متغیر روسیه به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر قفقاز جنوبی که نگاه رقابتی نسبت به دیگر کشورها در منطقه دارد در پی یافتن پاسخ این پرسش هستند، آیا تحولات روابط روسیه با اروپا و آمریکا به ویژه بعد از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و اعمال برخی تحریم‌ها علیه این کشور از سوی غرب که موجب تقویت اوراسیاگرایی روسیه شد، بر روابط ایران با کشورهای قفقاز جنوبی تاثیری داشته است؟ برپایه فرضیه این مقاله، رقابت

1. The Eurasian Economic Union (EAEU)

2. The Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

منطقه‌ای روسیه با همسایگان در قفقاز جنوبی در پی تحولات ژئوپلیتیک و تشدید اختلاف‌های این کشور با اروپا و آمریکا در سال ۲۰۱۴ در همکاری بیشتر و تقویت همکاری اقتصادی ایران با سه کشور قفقاز جنوبی تاثیرگذار بوده است.

**چارچوب نظری؛** در نظریه نواقح‌گرایی<sup>۱</sup> که توسط کنت والتز<sup>۲</sup> با مقایسه نتایج تحلیل واقع‌گرایی بنیان نهاده شد، مفروض‌هایی وجود دارد که برای بررسی تاثیر تحولات روابط روسیه و غرب بر نگاه این کشور در همکاری کشورهای منطقه قفقاز جنوبی استفاده می‌شود. به عبارت دیگر تاثیر متغیر نظام بین‌الملل بر رفتار کشورها در این مقاله برجسته‌تر می‌شود. بر اساس برخی مفروض‌های این نظریه<sup>۱</sup>. دولت اصلی‌ترین مبنای تحلیل در روابط بین‌الملل است؛ ۲. دولت‌ها در پی منافع و دستاورد‌ها نسبی هستند و نه مطلق؛ یعنی می‌توان حاصل بازی را به جای صفر مثبت دانست؛ ۳. دولت‌ها در شرایط هرج و مرج (آنارشیک) فعالیت (رقابت) می‌کنند و عقلانیت آنها در همان شرایط شکل می‌گیرد و ۴. رفتار دولت‌ها فقط در قالب نظام بین‌المللی معنی‌دار است. به عبارت دیگر تصور دولت‌ها به‌عنوان بازیگران عقلانیت‌گرا، یک‌پارچه و هم‌افق، فقط در قالب نظامی فراقشوری تحقق می‌یابد (نصری، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

دهقانی فیروزآبادی هم رویکرد نواقح‌گرایی به همگرایی منطقه‌ای را به این شکل خلاصه می‌کند، "همگرایی منطقه‌ای حاصل انتخاب عقلانی کشورهای یک منطقه برای بیشینه‌سازی منافع ملی است؛ توسعه و تعمیق همگرایی در اثر چانه‌زنی و مذاکره کشورهای منطقه‌ای و بر اساس تحلیل هزینه-فایده صورت می‌گیرد؛ نظام بین‌الملل به‌ویژه چگونگی توزیع قدرت در آن نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت همگرایی منطقه‌ای ایفا می‌کند؛ نهادهای منطقه‌ای مستقل از کشورهای عضو نیستند و نقش مستقلى در فرآیند همگرایی منطقه‌ای ایفا نمی‌کنند؛ نهادهای منطقه‌ای ماهیت بین‌دولتی دارند و ابزار سیاست خارجی دولتهای عضو هستند" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

در مجموع، نظریه نواقح‌گرایی سیستم را مبنای سطح تحلیل خود قرار می‌دهد و در مورد رابطه سیستم یا ساختار با واحدها معتقد است که واحدها و اجزای نظام بین‌الملل تابع

<sup>۱</sup>. Neorealism

<sup>۲</sup>. Kenneth Neal Waltz

قیدوبندها و سازوکارهای تعیین کننده ساختار نظام بین الملل است. در واقع نواقعی گرایبی به تبیین این موضوع می پردازد که نیروهای بیرونی رفتار یک دولت را چگونه شکل می دهند. با توجه به این توضیحات، دو نکته مهم در بررسی روابط اقتصادی ایران با کشور قفقاز جنوبی و همچنین نگاه و رفتار روسیه به این روابط وجود دارد که هر یک در جای خود قابل توجه است. نخست، بررسی این روابط فقط از نظر ظرفیتها و تواناییهای متقابل ایران و کشورهای قفقاز جنوبی برای روابط اقتصادی و تجاری است. دوم، توجه به ظرفیتهای همکاری منطقه‌ای و تاثیر عوامل بیرونی بر این موضوع است. از جمله عوامل تاثیرگذار در همکاری منطقه‌ای در قفقاز جنوبی، تحول رویکرد روسیه به عنوان بانفوذترین قدرت منطقه است. بر اساس نظریه نواقعی گرایبی که دولت‌ها را بازیگر اصلی دانسته و در همان حال آنها را تابع سازوکارهای تعیین کننده نظام بین الملل می داند، تغییر رویکرد روسیه نسبت به همکاریهای منطقه‌ای که پس از تشدید اختلافهای این کشور با اروپا و آمریکا صورت گرفت، عاملی تاثیرگذار بر همکاری ایران با این کشورها برآورد می شود.

#### ۱. روابط اقتصادی ایران با سه کشور قفقاز جنوبی از سال ۱۹۹۲-۲۰۱۹

اگرچه در درجه نخست همسایگی و جغرافیا مهم ترین عامل پیوستگی ایران با منطقه قفقاز جنوبی و این کشورها جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است، اما پیوند تاریخی، فرهنگی و تمدنی این منطقه با حوزه تمدنی ایران زمین و همزیستی مشترک تحت حاکمیت واحد در مراحل مختلف تاریخی جایگاه ویژه‌ای به این منطقه در روابط خارجی ایران داده است. با فروپاشی شوروی و استقلال این کشورها از سال ۱۹۹۲، بار دیگر فرصتی برای مردم ایران و این منطقه ایجاد شد تا در شکلی جدید و در قالب همکاریهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، پیوندهای پیشین را زنده کنند. از این رو، جمهوری اسلامی ایران از اولین کشورهایی بود که استقلال هر سه کشور را در سال ۱۹۹۲ به رسمیت شناخت و در همین سال سفارت خود را تاسیس و روابط دیپلماتیک برقرار کرد. این روابط در بخش اقتصادی و تجاری به دلیل نیازهای اقتصادی اولیه کشورهای تازه استقلال یافته که در بحران پسا فروپاشی نظام سیاسی، اداری و اقتصادی پیشین بودند، اهمیت بیشتری داشت. از سال ۱۹۹۴ با فروکش کردن بحرانها از جمله بحران قره باغ در نزدیکی مرزهای ایران با جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مسائل تجاری و اقتصادی یکی از محورهای مهم همکاری

ایران و منطقه قفقاز شد. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ظرفیت همسایگی و جغرافیایی و همچنین قابلیت‌های اقتصادی و تجاری در حوزه‌های مختلف، وارد همکاری با این سه کشور شد و اراده خود را برای ایجاد روابط مستحکم و بادوام بر اساس احترام به حاکمیت و منافع متقابل آشکار ساخت.

**الف) روابط اقتصادی ایران با جمهوری آذربایجان**، روابط با جمهوری آذربایجان به دلیل پیوندهای عمیق فرهنگی و مذهبی و همسایگی از اهمیت ویژه‌ای برای ایران برخوردار بوده است. ایاز مطلباف<sup>۱</sup>، اولین رئیس جمهوری آذربایجان در اواخر سال ۱۹۹۱ اولین سفر خارجی خود را به‌عنوان رئیس جمهور به ایران انجام داد. در دیدارهای انجام‌شده در تهران در مورد ارتباط جمهوری آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان از راه ایران که راه آن به-وسیله ارامنه مسدود شده بود، توافق شد. در همان حال در مورد اعلام نخجوان به عنوان یک منطقه ویژه اقتصادی برای توسعه روابط اقتصادی دو کشور، توافقنامه‌هایی امضا شد (۲۳۳:۱۳۸۶ مجتهد زاده، حسین پور و کریمی پور). در سال ۱۹۹۲ و پس از پیروزی ارمنستان در جنگ قره‌باغ، ایاز مطلباف برکنار و پس از مدت کوتاهی ابوالفضل ایلچی‌بیگ<sup>۲</sup> به عنوان رئیس جمهوری آذربایجان انتخاب شد. وی که در عمل نمی‌توانست، پاسخگوی انتظارات مردم جمهوری آذربایجان در عرصه اقتصادی و نظامی (بازپس‌گیری مناطق اشغالی از ارمنستان) باشد با طرح شعارهای پان‌ترکی و گرایش به‌سوی غرب، امیدوار بود بخشی از مشکلات دولت خود را حل کند. اما این سیاست، نه‌تنها کمکی به دولت وی نکرد، بلکه سرانجام به برکناری وی و به‌قدرت رسیدن حیدر علی‌اف در اکتبر ۱۹۹۳ شد. روابط ایران و جمهوری آذربایجان که به دلیل برخی سیاست‌های ایلچی‌بیگ تا حدودی به سردی گرائیده بود با ریاست جمهوری حیدر علی‌اف شکل تازه‌ای به‌خود گرفت و تعامل دو کشور بیشتر گسترش یافت (Koolaee and Hafezian, 2010).

در دوره ریاست جمهوری حیدر علی‌اف و سپس فرزند وی الهام علی‌اف، اولویت‌های اقتصادی به‌ویژه در بخش استخراج نفت و گاز دریای خزر و ایجاد خطوط لوله برای انتقال انرژی به ترکیه و سپس اروپا مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که منابع اصلی نفت و گاز جمهوری آذربایجان در دریای خزر قرار دارد، اختلاف‌های فنی در تعیین رژیم حقوقی دریای

<sup>۱</sup>. Ayaz Niyazi Oglu Mutallibov

<sup>۲</sup>. Abulfaz Elchibey

خزر به عامل اختلاف در روابط دو کشور تبدیل شد (کولایی و علیزاده، ۱۳۹۵: ۱۰۱-۱۰۷). ساخت خطوط لوله انتقال انرژی، جنبه سیاسی نیز به خود گرفت و تاثیر عوامل ژئوپلیتیک از جمله دشمنی آمریکا با ایران و اعمال تحریم‌های پایدار این کشور از شاخص‌های مهم آن است. در این دوره، روسیه با امضای موافقت‌نامه‌های دو جانبه با قزاقستان برای تقسیم بستر بخش شمالی دریای خزر در سال ۱۹۹۸ و با جمهوری آذربایجان برای تقسیم مناطق مجاور بستر دریای خزر در سال ۲۰۰۲ و سپس موافقت سه جانبه جداگانه با این دو کشور پیرامون نقطه اتصال خطوط تقسیم مناطق بستر در خزر در سال ۲۰۰۳ (کولایی و علیزاده، ۱۳۹۹: ۲۱۵) مواضع ایران را نادیده گرفته و همکاری عملی را با این کشورها آغاز کرد. این نظر وجود دارد که روسیه برای احیای نفوذ در تحولات نفتی دریای خزر سه سیاست اصلی در پیش گرفته است: ۱. افزایش نقش شرکت‌های نفتی، ۲. کنترل انتقال نفت از این منطقه، ۳. جلوگیری از تحولاتی نفتی یک‌جانبه در منطقه با استفاده از نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر (کولایی، اسلامی و اصولی، ۱۳۹۵: ۱۱۹-۱۲۱).

نتیجه برخی سیاست‌های اتخاذ شده پیرامون بهره برداری از منابع هیدروکربنی دریای خزر که روسیه نقشی محوری در آن داشت، فراهم شدن زمینه برای امضای قراردادهای بزرگ نفتی پیش از مشخص شدن رژیم حقوقی آن بود که قرارداد قرن<sup>۱</sup> یکی از آنان است. قراردادی که به دلیل فشار آمریکا، ایران در آن جایگاهی نداشت و بر روابط با جمهوری آذربایجان تاثیر منفی داشت. موضوع دیگر ساختن خطوط لوله انتقال نفت و گاز دریای خزر به خارج از منطقه است که در طرح‌های اجرا شده در این بخش مانند ساخت خطوط لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان و خط لوله گاز باکو-تفلیس-ارزروم ایران نادیده گرفته شد. البته با توجه به غربی بودن این طرح‌ها، نمی‌توان گفت، روسیه در روند شکل‌گیری آنها نقش جدی داشته، اگرچه سطحی از توافق با این کشور لازم بوده است.

در دیگر بخش‌های اقتصادی و تجاری، همکاری‌های دو کشور بیشتر از تحریم‌های سازمان ملل و آمریکا و همچنین ظرفیت محدود اقتصاد ایران تاثیر پذیرفته است. برای نمونه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ با وجود فراز و نشیب‌های روابط تجاری و اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان، میانگین تجارت دو کشور سالانه ۳۴۴/۵ میلیون دلار صادرات ایران به جمهوری آذربایجان و ۱۰۵/۳۱ میلیون دلار واردات از این کشور بوده است (راه نجات و

<sup>۱</sup>. "Contract of the Century"

کبیری، ۳۹۷: ۱۰۰). این روند پس از توافق هسته ای در سال ۲۰۱۵ شکل جدید گرفت و حجم تجارت دو کشور که در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ برابر با ۲۶۵ میلیون دلار بود در دوره ۲۰۱۶-۲۰۱۷ به ۴۰۴ میلیون دلار رسید (Erendor and Öztarsu, 2019: 166). حجم روابط تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۸ به ۴۴۶ میلیون دلار رسید و به گفته شاهین مصطفی‌یف<sup>۱</sup>، معاون نخست وزیر جمهوری آذربایجان این میزان در سال ۲۰۱۹ با ۱۱ درصد افزایش به حدود ۵۰۰ میلیون دلار رسید. در این سال جمهوری اسلامی ایران در رتبه هشتم کشورهای صادرکننده کالا به جمهوری آذربایجان قرار داشته است (Iranpress: 2020).

**ب) روابط اقتصادی ایران با ارمنستان، روابط ایران و ارمنستان در سه دهه گذشته به نسبت روابط با دو کشور دیگر قفقاز نوسان کمتری داشته است.** مرز ایران برای ارمنستان یک مرز حیاتی برآورد شده و این کشور تلاش کرده عوامل ژئوپلیتیک بر روابط با ایران کمترین تاثیر منفی را داشته باشد. امکانات و نیازهای ارمنستان در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل، صنایع و معادن، نیروی کار ارزان، تخصص و فناوری در ساخت مصنوعات از یکسو و موقعیت مناسب ایران و تخصص و تجربه آن در بهره‌برداری از معادن، بر خورداری از فناوری روز برای تولید برخی کالاها و منابع غنی انرژی از سوی دیگر، ظرفیت‌های مطلوب دو کشور جهت گسترش همکاری‌های اقتصادی است (کولایی، ۱۳۸۹: ۸۳). با توجه به زمینه‌های یادشده، دو کشور در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند با استفاده از ظرفیت‌های دو کشور حجم روابط اقتصادی خود را گسترش داده و به شرایط مطلوبی که بسیار بالاتر از وضعیت موجود است نزدیک کنند. بر پایه آمار وزارت امور خارجه ارمنستان و اتاق بازرگانی ایران حجم تجارت دو کشور در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ روندی رو به رشد داشته و به ترتیب ۲۳۹، ۲۵۸، ۳۶۳ و ۴۰۸ میلیون دلار بوده است. بیشترین صادرات و واردات دو کشور نیز به صادرات گاز ایران و مواد پتروشیمی به ارمنستان و واردات برق از این کشور مربوط است (mfa.am.bilateral-relations: 2019).

در مورد روابط اقتصادی ایران و ارمنستان متغیر روسیه همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. دلیل اصلی این مساله سلطه روسیه بر اقتصاد ارمنستان به ویژه حوزه‌های زیربنایی انرژی و حمل و نقل است که از مزایای روابط دو جانبه ایران و ارمنستان برآورد می‌شود. ۸۰ درصد زیرساخت‌های انرژی ارمنستان در کنترل روسیه بوده و ۸۰ درصد گاز مصرفی این کشور از روسیه وارد می‌شود. شرکت روسی گاز پروم شبکه توزیع

<sup>۱</sup>. Shahin Mustafayev



گاز ارمنستان را در کنترل دارد. توافق‌های امضاشده روسیه و ارمنستان، سبب انحصار شرکت روسی گازپروم برای ساختن خطوط لوله تا سال ۲۰۴۳ شده و بر اساس این توافقنامه ارمنستان حق ندارد با تصویب یا تغییر قوانین، انحصار گازپروم بر بازار گاز جمهوری ارمنستان را تا سال ۲۰۴۳ مختل سازد (خیری و ایزدی ۱۳۹۶:۱۶).

در حوزه انرژی (گاز و برق)، اگرچه همکاری محدودی در میان دو کشور وجود دارد، ولی میزان آن هرگز متناسب با ظرفیت و انتظارهای دو کشور نبوده است. گذشته از وضعیت خاص تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران و ظرفیت کوچک اقتصاد ارمنستان، عامل مهم نقش روسیه است. در زمینه صادرات گاز ایران به ارمنستان از ابتدا در ارمنستان این برداشت وجود داشته که دلیل محدودیت صادرات گاز ایران به ارمنستان، مخالفت روسیه با افزایش قطر لوله گاز صادراتی ایران به ارمنستان و محل مصرف آن در این کشور بوده است. زیرا این موضوع می‌توانست به حوزه انرژی ارمنستان تنوع بخشیده و سبب رهایی این کشور از وابستگی انحصاری به شرکت گاز پروم روسیه شود. آن‌اهیت شیرینیان<sup>۱</sup>، پژوهشگر سیاست خارجی مقیم ایروان در گفتگو با آسیا تایمز با اشاره به تمایل شدید ارمنستان به تنوع بخشیدن به منابع انرژی، معتقد است ایران می‌توانست این نقش را داشته باشد. وی می‌گوید، "ارمنستان زمانی که در پی راه‌اندازی خط لوله گاز ایران-ارمنستان بود، می‌خواست یک کشور ترانزیتی باشد ... در ابتدا قرار بود، قطر خط لوله ۱۴۰۰ میلی‌متر باشد ولی با نیمی از آن به پایان رسید. در آن هنگام گمان‌هایی وجود داشت که فشار روسیه به باریک‌تر شدن آن منجر شده است؛ بنابراین واردات محدود به مصرف داخلی شد (Tahmisian, 2019). ریچارد گیراگوسیان<sup>۲</sup>، پژوهشگر ارمنستانی نیز میزان صادرات گاز ایران به ارمنستان سالانه ۵۰۰ میلیون مترمکعب را در برابر گاز صادراتی روسیه اندک دانسته و تاکید می‌کند، «گازپروم به آسانی متقاعد نمی‌شود که رقابت جدیدی را بر سر سلطه خود در بازار ارمنستان بپذیرد» (Giragosian: 2019, 6).

علاوه بر زیرساخت‌های انرژی، خطوط هوایی، صنایع شیمیایی و بخش ارتباطات ارمنستان نیز در اختیار شرکتهای دولتی روسیه است. روسیه شبکه راه‌آهن ملی ارمنستان را با سرمایه گذاری ۵۷۰ میلیون دلاری در کنترل خود درآورده است (خیری و ایزدی ۱۳۹۶:۱۷). در نتیجه

<sup>1</sup>. Anahit Shirinyan

<sup>2</sup>. Richard Giragosian

یکی دیگر از برتری‌های همکاری دو کشور که موضوع حمل و نقل است، ارتباط مستقیم با تصمیم‌های روسیه داشته و عامل ناکارآمدی توافقنامه ریلی ایران و ارمنستان شده است. این گمانه وجود دارد با توجه به مسیر مورد نظر روسیه در راهروی شمال - جنوب که از راه ایران، جمهوری آذربایجان و روسیه است این مسیر که از ارمنستان به گرجستان و از راه دریای سیاه به اروپا می‌رسد، مطلوب روسیه نبوده و سبب کاهش اهمیت استراتژیک مسیر اول می‌شود. بر اساس این استدلال هرچند توافقنامه ریلی ارمنستان و ایران در سال ۲۰۰۷ بین ایران و ارمنستان امضا شده است ولی با توجه به مالکیت روسیه بر شبکه ریلی ارمنستان سرنوشت چنین توافق‌هایی، نه با تصمیم ارمنستان، بلکه به روسیه وابسته است. این موضوع در سخنان ولادیمیر یاکونین<sup>۱</sup>، رئیس پیشین راه‌آهن دولتی روسیه در نشست بنیاد مطالعات قفقاز که در ۱۳ بهمن ۱۳۹۵ برگزار شد به‌گونه‌ای تأیید می‌شود. وی می‌گوید، «می‌دانید که ما راه‌آهن ارمنستان را خریده‌ایم و خط‌آهن ارمنستان بخشی از مایملک روسیه است. ارتباط راه ارمنستان به ایران یکی از گزینه‌ها بود، اما آن طرح پیچیده بود و به سختی می‌توانست بازده اقتصادی داشته باشد» (ایرنا، ۱۳۹۵).

در مجموع جدا از همکاری در بخش انرژی و حمل‌ونقل که در صورت استفاده از همه ظرفیت‌های آن، حجم روابط ایران و ارمنستان می‌توانست افزایش چشمگیری داشته باشد، به‌طور کلی روند همکاری‌های اقتصادی دو کشور، همانگونه که پیشتر اشاره شد مثبت بوده و این روند با توافق تجارت ترجیحی ایران با سازمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا که روسیه و ارمنستان عضو آن هستند، سیر صعودی داشته است. البته توجه به این نکته ضروری است علاوه بر نقش روسیه، تشدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران در دوره مورد بررسی، یکی از عوامل تاثیرگذار بر روابط اقتصادی ایران و ارمنستان بوده که موضوع این مقاله نیست.

**ج) روابط اقتصادی ایران با گرجستان، روابط اقتصادی ایران و گرجستان از آغاز استقلال این کشور، متناسب با ظرفیت محدود اقتصادی دو کشور هم نبوده است.** نقش عامل ژئوپلیتیک در روابط گرجستان و ایران، نسبت به روابط ایران با ارمنستان و جمهوری آذربایجان متفاوت است. روابط غیردوستانه و گاه دشمنی‌آلود روسیه و گرجستان عامل ژئوپلیتیک اضافه‌ای است که بر همکاری گرجستان با ایران تاثیرگذار بوده است. انقلاب گل رز<sup>۲</sup> گرجستان در سال ۲۰۰۳ با

<sup>۱</sup>. Vladimir Ivanovich Yakunin

<sup>۲</sup>. Rose Revolution

حمایت غرب در کنار گرایش‌های این کشور به سوی همکاری با نهادهای غربی مانند ناتو و اتحادیه اروپایی از جمله عواملی است که شکاف روابط روسیه و گرجستان را بیشتر کرد. از سوی دیگر، حمایت روسیه از جدایی‌خواهی جمهوری خودمختار آبخازیا و منطقه خودمختار اوستیای جنوبی که سرانجام به حمله نظامی سنگین این کشور به گرجستان در سال ۲۰۰۸ منجر شد از متغیرهایی هستند که نمی‌توان تاثیر آن را بر همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز نادیده گرفت. با این حال همکاری‌های اقتصادی ایران و گرجستان از سال ۱۹۹۲ در شرایط مختلف در سطح شرکت‌های کوچک و متوسط انجام شده است. بر اساس آمارهای موجود، ارقام ثبت‌شده در روابط تجاری دو کشور در سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به ترتیب معادل ۱۸۱، ۲۵۱، ۲۵۸ میلیون دلار بوده که علاوه بر سیر صعودی (با وجود تشدید تحریم‌های آمریکا) رکورد جدیدی در مبادلات تجاری دو کشور ثبت شده است (سایت معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹). ولی روابط اقتصادی و تجاری ایران و گرجستان به‌ویژه در حوزه‌های کلان انرژی و حمل‌ونقل متاثر از متغیرهای روابط ایران و آمریکا و روسیه و آمریکا بوده و منافع متضاد هر یک از دو قدرت بزرگ، مانع گسترده‌تر شدن روابط دو کشور در سطوح زیربنایی و استراتژیک شده است.

## ۲. روابط اقتصادی ایران و قفقاز جنوبی پس از سال ۱۳۹۵

روابط ایران با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان از سال ۲۰۱۵ با لغو تحریم‌های بین‌المللی که پس از توافق هسته‌ای بین ایران و ۵+۱ (پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌علاوه آلمان) یا برجام روند رو به رشدی را آغاز کرد. موضوعی که مورد توجه اروپا نیز قرار گرفت و بر اساس انتظاری که از گسترش روابط ایران و اروپا در آن زمان ایجاد شده بود، کشورهای قفقاز جنوبی می‌توانستند از موقعیت جغرافیایی خود برای قرار گرفتن در مسیر حمل و نقلی برای انتقال کالا و منابع انرژی به اروپا بهره ببرند (Weiss and Zabanova, 2017:1). اگرچه این تحول به‌دلیل رخدادهای بعدی از جمله خروج آمریکا از برجام شکل نگرفت ولی در مجموع حجم روابط ایران با این کشورها گسترش قابل توجهی داشت؛ به‌گونه‌ای که بر اساس آخرین آمار در سایت معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه حجم روابط تجاری با سه کشور منطقه گاه تا ۷۰ درصد افزایش داشت.

از نکته‌های مهم روابط ایران با کشورهای قفقاز جنوبی، تقویت همکاری‌های چندجانبه در سال‌های پس از ۲۰۱۵ است. این همکاری‌ها در قالب نشست‌های سه‌جانبه و سازمان منطقه‌ای اوراسیا صورت گرفته که برخی موارد شاخص آن ۱. برگزاری منظم نشست‌های سه‌جانبه ایران، جمهوری آذربایجان و روسیه از سال ۲۰۱۶، ۲. امضای موافقتنامه میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در زمینه تعرفه ترجیحی برای بیش از ۸۰۰ قلم کالا، ۳. توافق پیوستن روسیه به شبکه برق ایران و جمهوری آذربایجان، ۴. افزایش حجم مبادلات تجاری ایران با کشورهای قفقاز جنوبی در سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹.

در مجموع بر اساس شواهد و آمارها کمیت و کیفیت همکاری ایران و کشورهای قفقاز جنوبی با وجود تشدید تحریم‌های آمریکا از روند رو به رشدی برخوردار بوده و حجم مبادلات تجاری با سه کشور یادشده در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۲۰۱۶ بین ۷۰ تا ۹۵ درصد رشد داشته است. بر اساس آمارهای سایت وزارت امور خارجه ایران، وزارت امور خارجه ارمنستان و تارنمای گلوبال ادج<sup>۱</sup> حجم روابط تجاری ایران با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در سال ۲۰۱۹ به ترتیب ۴۹۳، ۴۰۸ و ۲۵۸ میلیون دلار بوده که نسبت به رقم‌های سال ۲۰۱۶ (۲۶۵،۲۳۹ و ۱۳۱) به ترتیب حدود ۸۰، ۷۰ و ۹۵ درصد افزایش داشته است.

### ۳. اهمیت قفقاز جنوبی برای روسیه

قفقاز جنوبی که در حدود دو قرن بخشی از خاک روسیه بوده، به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک، اهمیت خود برای این کشور حفظ کرده است. اهمیت این منطقه از سال‌های اولیه فروپاشی اتحاد شوروی نیز که غرب‌گرایان بر روسیه حاکم بودند، مورد تاکید روسها قرار داشت به‌گونه‌ای که سرگئی استانکوویچ<sup>۲</sup> یکی از لیبرال‌های سرشناس روس و مشاور رئیس‌جمهور وقت این کشور در سال ۱۹۹۲ گفت، «جمهوری‌های شوروی که اینک روسها آن را اصطلاحاً "خارج نزدیک" می‌نامند باید در حوزه خاص نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روسیه باقی بماند» (هانتز، ۱۳۷۵: ۶۱). بر این اساس یکی از اهداف روسیه حفظ تسلط خود بر جریان‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه قفقاز بوده که در این میان انرژی و انتقال آن جایگاهی ویژه داشته است. موضوعی که با توجه به وابستگی اروپا به نفت

<sup>۱</sup>. Global Edge

<sup>۲</sup>. Сергей Станкевич

و گاز وارداتی، توانسته موقعیت روسیه را در برابر رقبای ژئوپلیتیک خود در منطقه و جهان تقویت کند. دلایل مختلفی برای اهمیت قفقاز جنوبی برای روسیه وجود دارد. برخی از آنها عبارت هستند از ۱. نقش حائل میان روسیه و خاورمیانه را بازی می کند؛ ۲. این منطقه در همسایگی ایران و ترکیه به عنوان دو بازیگر مهم منطقه ای قرار دارد؛ ۳. بخش قابل توجهی از منابع انرژی جهانی در این منطقه واقع است که می تواند بر سهم روسیه از بازار انرژی اروپا تأثیر بگذارد. ۴. مسیرهای انرژی رقیب که به دنبال نفوذ غرب در سراسر قفقاز جنوبی راه اندازی یا در حال برنامه ریزی است، پیامدهای ژئوپلیتیک مهمی برای منافع و سیاست های روسیه خواهد داشت (Kouhi Esfahani, M., 2019:57).

در نتیجه می توان گفت، روابط خارجی کشورهای قفقاز جنوبی حتی با همسایگان به صورت جدی مورد توجه روسیه بوده و روابط ایران با این کشورها از این موضوع جدا نیست. به ویژه آنکه در برخی حوزه ها از جمله انرژی و حمل و نقل، منافع دو کشور هم سو نبوده است و همانگونه که تبیین شد آثار آن در روابط اقتصادی ایران با جمهوری آذربایجان و ارمنستان آشکار بوده است.

#### ۴. تقویت رویکرد اوراسیاگرایی روسیه پس از تحریم های غرب

تحریم های غرب از ابزار قدیمی مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی تلقی شده و در این راستا قانونی که امریکا در این مورد تصویب کرده بود، حتی پس از فروپاشی شوروی برای مدتی طولانی لغو نشده بود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ماه عسل روسیه و غرب آغاز شد که با حمله ناتو به یوگسلاوی، گسترش ناتو به سوی شرق تلخ شد. سخنرانی ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در نشست امنیتی مونیخ در سال ۲۰۰۷ را می توان لحظه آشکار شدن رویارویی روسیه با ایالات متحد و غرب دانست. پوتین در سخنرانی خود از سلطه انحصاری ایالات متحد در روابط بین الملل، اتکای فوق العاده آن به زور و نادیده گرفتن موازین بنیادی حقوق بین الملل انتقاد کرد. با بحران گرجستان و حمله نظامی روسیه به این کشور در سال ۲۰۰۸ که با میانجیگری اروپا، به ویژه فرانسه متوقف شد و سرانجام به رسمیت شناختن استقلال منطقه خودمختار اوستیای جنوبی و جمهوری خودمختار آبخازیا از سوی روسیه، تضاد غرب و روسیه روشن تر شد. اما شروع بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ سبب شد دو طرف در سطوح سیاسی، اقتصادی و نظامی رویارو شوند. تحریم های آمریکا علیه روسیه

که پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و پیوسته شدن شبه جزیره کریمه به روسیه آغاز شد و ادامه یافته، بحران میان مسکو و واشنگتن را شدت بخشیده است. تحریم‌های آمریکا علیه روسیه را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: ۱. تحریم‌های اقتصادی و تجاری که با اهداف سیاسی صورت می‌گیرد؛ ۲. تحریم‌های اقتصادی و مالی که علیه شرکت‌های روسی اعمال شده و در همکاری این شرکت‌ها با دیگر شرکت‌های خارجی اختلال ایجاد می‌کند. ۳. تحریم‌هایی که فناوری و تجهیزات نظامی روسیه را هدف قرار داده و به‌ویژه بر صنعت نفت و گاز روسیه تاثیر می‌گذارد. دو گروه اول تحریم‌ها با چشم‌انداز کوتاه‌مدت و ایجاد بحران در اقتصاد روسیه شکل گرفته است. اما این تحریم‌ها چشم‌انداز میان‌مدت خود را از دست داده و آثار منفی آنها کاهش یافته است. گروه سوم تحریم‌های آمریکا علیه روسیه فناوری و تجهیزات منحصر به فرد این کشور را زیر تاثیر قرار داده است. برخی از این تجهیزات تنها در ایالات متحد آمریکا، کانادا و استرالیا تولید شده و تامین آن برای روسیه بسیار سخت است (Borisova and Kisilitsyn, 2017: 204-205). اگرچه دلایل تحریم‌های گسترده علیه روسیه رفتار این کشور نسبت به اوکراین، دخالت سایبری در انتخابات آمریکا و مواردی مانند مسمومیت سرگئی اسکریپال عنوان می‌شود، اما اقدام‌های غرب در حوزه حیاتی روسیه با گسترش ناتو و انقلاب‌های رنگی در دو دهه اخیر بیانگر این واقعیت است که نگرانی‌های دو طرف از یکدیگر از دلایل اعلام شده فراتر است، موضوعی که گاه به‌عنوان جنگ سرد جدید نیز از آن یاد می‌شود. بر این اساس با وجود اینکه دلایل رسمی تحریم‌های اقتصادی اعمال شده توسط اتحادیه اروپا و ایالات متحد علیه روسیه، غیرقانونی بودن همه‌پرسی کریمه و پیوستن غیرقانونی آن به این کشور، ادامه نقض حاکمیت اوکراین و حمایت از جدایی خواهان طرفدار روسیه بیان می‌شود؛ ولی در پشت این موضوع‌های فوری، اختلاف نظر عمیق در مورد نظم امنیتی پس از جنگ سرد در اروپا وجود دارد.

به این ترتیب روسیه از ترتیباتی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی در پایان سال ۱۹۹۱ ایجاد شده ناراضی است و می‌خواهد دست‌کم آنچه را که از "حوزه نفوذ" پیشین شوروی شامل جمهوری‌های باقی‌مانده در اروپا (اوکراین، روسیه سفید، گرجستان، مولداوی، ارمنستان و جمهوری آذربایجان) و آسیای مرکزی را حفظ کند. در همان حال، غرب این کشورها را به عنوان کشورهای مستقلی می‌داند که در انجام هرگونه همکاری بین‌المللی و انتخاب متحد مورد نظرشان آزاد هستند (Oxenstierna and Olsson, 2015:13)

روسیه نیز تحریم‌های غرب به‌ویژه آمریکا را در چارچوب یک‌جانبه‌گرایی این کشور دانسته که اهداف بلندمدت دارد. از این رو می‌توان گفت، روسیه در آینده نزدیک چشم‌اندازی برای لغو تحریم‌ها نمی‌بیند و در نتیجه یکی از راهکارهای بی‌اثر کردن تحریم‌ها را در گسترش همکاری با کشورهای آسیایی و پیرامونی خود می‌داند و از راه تفاهم در سطوح دوجانبه و سازمان‌های منطقه‌ای برای مقابله با تحریم‌های آمریکا و اروپا اقدام می‌کند. تقویت اتحادیه اقتصادی اوراسیایی که روسیه کشور محوری آن است و امضاء توافقنامه با بسیاری از کشورهای آسیایی مانند هند و چین و استفاده از ارزش‌های ملی در همین زمینه قابل تحلیل است.

### ۵. همکاری ایران و روسیه در قفقاز جنوبی

روسیه منطقه قفقاز را حیات خلوت خود دانسته و تلاش کرده است هرگونه ابتکار سیاسی اقتصادی و امنیتی در این منطقه را در اختیار خود داشته باشد. کنترل قهرآمیز گرجستان در کنار حفظ روابط اقتصادی با این کشور که به دلیل نیاز گرجستان به روسیه صورت می‌گیرد و حفظ توازن در روابط با جمهوری آذربایجان و ارمنستان از دیگر اقدام‌هایی است که روسیه در منطقه انجام می‌دهد. از سوی دیگر رابطه بازیگران منطقه‌ای و جهانی با کشورهای این حوزه برای روسیه بسیار اهمیت داشته و این کشور می‌کوشد از این موضوع در جهت منافع خود بیشترین بهره‌برداری را داشته باشد.

یلنا دونایوا<sup>۱</sup>، پژوهشگر موسسه شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه با اشاره به تغییر مراکز فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی از غرب به شرق و به سوی اوراسیا می‌گوید، «تشکیل مراکز با نفوذ در آسیای مرکزی و اوراسیا امکانات گسترده‌ای را برای هر دو کشور (ایران و روسیه) فراهم می‌کند. روسیه تمایل دارد به ستون فقرات سازمان بین‌منطقه‌ای اروپا-آسیا تبدیل شود و نفوذ بیشتری در منطقه خاور نزدیک و آسیای جنوب شرقی داشته باشد. روسیه قادر است بر فرصت‌ها و امکانات ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای و حلقه اتصال ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک میان غرب و شرق تاثیر بگذارد. تلاقی منافع دو کشور در عرصه ژئوپلیتیک و نزدیکی مواضع در مساله تامین امنیت و ثبات، مبنای همکاری دوجانبه و چندجانبه را فراهم می‌آورد. شرکت در طرح‌های منطقه‌ای علاوه بر تامین منافع روسیه و ایران مناسبات دو

---

<sup>۱</sup> . Elena Dunaeva

کشور را به سطح جدید و مطلوبی می‌رساند». وی همچنین با بر شمردن زمینه‌های همکاری ایران و روسیه در قالب سازمان‌های شانگهای و اتحادیه اوراسیایی نتیجه می‌گیرد، «همکاری‌های منطقه‌ای روسیه و ایران در اشکال گوناگون به تحقق اهداف سیاسی و کسب منافع اقتصادی دو کشور مساعدت کرده و مواضع هر دو کشور در سازمان‌های بین‌المللی را تقویت می‌کند» (دونایوا: ۱۳۹۵، ۲۳۳).

دمیدنکو<sup>۱</sup>، پژوهشگر موسسه شورای روابط خارجی روسیه (ریاک)<sup>۲</sup> نیز با اشاره به اینکه در نتیجه تحریم‌ها و رکود اقتصادی قدرت ایران در منطقه ضعیف شده است در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب و پیش از توافق برجام این نظر را مطرح کرد که در صورت توافق هسته‌ای، ایران می‌تواند یک بازیگر فعال منطقه‌ای شود. چنین پیشرفت دیپلماتیکی می‌تواند موقعیت ایران را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای شکوفا کند. به همین دلیل روسیه باید تماس‌های خود را با ایران در بالاترین سطوح حفظ و به توافق‌هایی دست پیدا کند. در کل باید مواضع روسیه نسبت به ایران باید متوازن و عمل‌گرایانه باشد (Demidenko, 2014: 61). به عبارت دیگر، رویکرد واقع‌بینانه به ظرفیت بازیگری ایران، روسیه را به استفاده از این ظرفیت تشویق کرده است. به‌طور طبیعی این موضوع زمانی که خود روسیه با مشکلات تحریم روبه‌رو است و با اروپا و آمریکا مشکل دارد، می‌تواند انگیزه همکاری‌ها را بیشتر کند.

بر این اساس در سال‌های اخیر روس‌ها از حضور فعال‌تر ایران در آسیای مرکزی و قفقاز استقبال کرده است. این موضوع علاوه بر طرح در محافل علمی و مطالعاتی در سیاست عملی روسیه نیز نمود داشته است. نیکولای کوژانف<sup>۳</sup>، پژوهشگر ارشد دانشکده علوم اجتماعی مدرسه عالی اقتصاد مسکو در نشست دوم مهر ۱۳۹۷ بنیاد مطالعات قفقاز که با موضوع "ایران - روسیه، چشم انداز همکاری منطقه‌ای" برگزار شد، می‌گوید «از زمان فروپاشی شوروی تا سال ۲۰۱۲ نگاه مسکو به تهران به‌عنوان ابزار چانه‌زنی بود... اما از سال ۲۰۱۲ و آغاز دوره سوم ریاست جمهوری پوتین، تغییرهایی در مناسبات دوجانبه ایران و روسیه ایجاد شد.» وی علت تغییر در نگرش پوتین را سه موضوع دانست: «نخست، ناامیدی از روابط

<sup>۱</sup>. Demidenko

<sup>۲</sup>. RIAC

<sup>۳</sup>. Nicolay Kozhanov



روسیه با غرب، دوم سقوط یا در معرض سقوط قرار گرفتن دولت‌های نزدیک به مسکو در شمال آفریقا و خاورمیانه در جریان بهار عربی و بالاخره به قدرت رسیدن روحانی و چرخش به سمت غرب ایران<sup>۱</sup>، وی در بخشی دیگری از سخنرانی خود به پیشران‌های روابط ایران و روسیه پرداخته و معتقد است این پیشران‌ها محدودیت زمانی دارد. برای مثال اگر بحث تحریم‌ها و بحران سوریه تمام شود، مناسبات روسیه با تهران چگونه باید تعیین شود؟ کوژانف، یکی از پیشران‌های همکاری منطقه‌ای روسیه و ایران را تحریم‌های دو کشور می‌داند. در این نشست آلیسا شیشکینا<sup>۱</sup> دیگر پژوهشگر روس، حوزه قفقاز جنوبی را محل تلاقی منافع ایران و روسیه دانسته ولی در همان حال معتقد است: تجارت و حضور در طرح‌های اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز همکاری آنها شود. وی اضافه می‌کند، درگیری روسیه و ایران با تحریم‌ها، می‌تواند بستری برای همکاری دوجانبه باشد (اندیشکده راهبردی تبیین: ۱۳۹۷)

همانگونه که در سخنان پژوهشگران روسی آمده است، یکی از دلایلی که روسیه را برای همکاری بیشتر با ایران ترغیب می‌کند، نوع رفتار و تحریم‌های غرب علیه این کشور است. به عبارت دیگر تاثیر عامل بیرونی در تغییر رویکرد روسیه است. مطابق رویکرد دیوید لیک<sup>۲</sup>، تاثیرهای بیرونی زمانی بوجود می‌آیند که یک دولت نسبت به کنش‌هایی که از سوی دولت دیگر به وجود می‌آید، ناراضی باشد. در این مورد، کنش‌های یک دولت می‌تواند سودها یا هزینه‌هایی را بر دولت دیگر بدون اینکه راضی باشد، تحمیل کند. توسعه دیدگاه‌های دیوید لیک به منطقه اوراسیا می‌تواند با این استثناء همراه باشد که سیاست مهار دوگانه آمریکا علیه روسیه و ایران در این منطقه، نارضایتی این دو کشور، سپس همسوئی و همکاری آنها را در پی داشته است. (سازمند و صوراناری، ۱۳۹۸: ۱۵۵)

در نتیجه روسیه با آگاهی از استراتژی آمریکا و غرب در تحدید منافع آن و همچنین توجه به این موضوع که برای تکمیل مولفه‌های قدرت در عرصه جهانی، داشتن یک اقتصاد قوی بسیار ضروری است، توجه بیشتری به اهمیت تقویت همکاری اقتصادی با کشورهای منطقه از جمله ایران داشته است. بر این اساس، علاوه بر تقویت روابط دوجانبه با ایران این کشور کوشیده از مزایای همکاری‌های اقتصادی و ظرفیت‌های کشورهای منطقه بهره بیشتری ببرد. ایجاد سازوکارهای همکاری سه‌جانبه و منطقه‌ای و در قالب نشست سه‌جانبه

<sup>۱</sup> . Alisa Shishkina

<sup>۲</sup> . David Lake

ایران-روسیه-جمهوری آذربایجان و همچنین اتحادیه اقتصادی اوراسیایی که ارمنستان از اعضای آن است از جمله این همکاری‌ها به‌شمار می‌رود. زائور شیریی اف<sup>۱</sup>، پژوهشگر روابط بین‌الملل در مورد تغییر رویکرد روسیه در تقویت همکاری‌های منطقه‌ای پس از تحریم غرب می‌نویسد از سال ۲۰۱۶ آذربایجان بخشی از یک طرح همگرایی اقتصادی دیگر در قالب سه‌جانبه با روسیه و ایران بوده است. دستور کار اصلی این طرح اتصال راه‌آهن سه کشور به‌عنوان بخشی از مسیر حمل و نقل بین‌المللی از آسیا به روسیه و اروپا است. هدف سیاسی روسیه از همکاری سه‌جانبه، تشکیل محوری برای محدود کردن نفوذ غرب در منطقه و حذف آن از طرح‌های توسعه منطقه‌ای است (Shiriyev Zaur, 2019:16). از سوی دیگر در دومین نشست سه‌جانبه در سال ۲۰۱۷، روش‌های جدید گمرکی برای از میان بردن موانع جابه‌جایی کالا و خدمات میان سه کشور ارائه شد.

یکی از اقدام‌های مهمی که در جهت همگرایی منطقه‌ای با محوریت روسیه در سال ۲۰۱۵ در منطقه شکل گرفته، تشکیل رسمی نهاد اتحادیه اقتصادی اوراسیایی است که از سال ۲۰۰۰ با کارکرد محدودتر و عنوان‌های متفاوت فعالیت می‌کرد. اگرچه پیرامون ایجاد این نهاد دلایل مختلفی مطرح می‌شود ولی تقویت آن از سال ۲۰۱۵ ارتباط مستقیمی با تحولات ژئوپلیتیکی در پیرامون روسیه دارد. روسیه در جهت ابزارسازی بیشتر برای مقابله با اقدام‌های آمریکا و اروپا، به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور، به گسترش همکاری این نهاد با کشورهای مختلف توجه بیشتری نشان داد که از جمله همکاری با ایران بود. بنابراین یکی دیگر از شاخص‌های همکاری ایران و روسیه در منطقه قفقاز جنوبی، همکاری در قالب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی است که ارمنستان هم در آن عضویت دارد. با حمایت روسیه در سال ۱۳۹۷ میان ایران و این اتحادیه توافقنامه تجارت ترجیحی امضا شد که بر اساس آن ۸۰۰ قلم کالا مشمول تعرفه ترجیحی میان دو طرف شده است. بعد از امضای این توافقنامه، حجم تجارت دو طرف به‌طور قابل‌ملاحظه افزایش یافته است.

سازمان توسعه تجارت جمهوری اسلامی ایران به استناد آمار گمرک کشور، حجم کل تجارت ایران با مجموع پنج کشور اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را از هنگام آغاز همکاری با این اتحادیه (۵ آبان ۱۳۹۸) تا ۳۱ مرداد سال ۱۳۹۹، ۲ میلیارد و ۷۹۱ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار اعلام نموده که نسبت به مدت مشابه سال قبل (۲ میلیارد و ۶۳۵ میلیون و ۱۵۰ هزار دلار)

<sup>۱</sup>. Zaur Shiriyev

۶ درصد رشد داشته است. در این مدت میزان کل صادرات ایران به اتحادیه اوراسیا، ۸۲۳ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار بوده که نسبت به دوره مشابه سال قبل (۶۷۹ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار) رشد ۲۱ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین واردات ایران در بازه زمانی مذکور با رشد ۱ درصدی به ۱۹۶۷ میلیون دلار رسیده است. (پورتال سازمان توسعه تجارت: ۱۳۹۹). نکته قابل توجه پیرامون رشد تبادلات تجاری ایران و کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، این است که این رشد با وجود شیوع ویروس کووید ۱۹ و کاهش حجم مبادلات در سطح بین‌المللی رخ داده است. در نتیجه افزایش تبادلات تجاری ایران با اتحادیه مذکور که روسیه و ارمنستان عضو آن می‌باشند یکی از شاخصهای مهم تقویت همکاری اقتصادی ایران با منطقه قفقاز جنوبی و روسیه قلمداد می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

روابط با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان از همان آغاز استقلال این کشورها در پایان سال ۱۹۹۱ برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت زیادی داشته است. پیوندهای تاریخی، تمدنی و مذهبی در کنار مرزهای مشترک و همسایگی اهمیت این منطقه را برای ایران دوچندان کرده است. از این‌رو، دولت ایران از اولین کشورهایی بود که با به‌رسمیت شناختن استقلال این کشورها، روابط همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با آنها آغاز کرد. در این بین همکاری‌های تجاری و اقتصادی با کشورهای یادشده که به دلیل فروپاشی اقتصادی نظام شوروی در شرایط دشواری بودند، جایگاه ویژه‌ای داشت. در نتیجه در قدم اول، مبادلات تجاری میان دو طرف برقرار شد. با وجود زمینه‌های فراوان همکاری اقتصادی روابط ایران با کشورهای یادشده و نیز با تثبیت اوضاع و برجسته‌شدن موضوع انرژی به‌ویژه ظرفیت منطقه در تولید نفت و گاز و انتقال آن به اروپا، متغیر ژئوپلیتیک نیز وارد معادله روابط ایران و سه کشور منطقه شد. اگرچه مخالفت آمریکا با حضور ایران در پروژه‌های انتقال نفت و گاز به اروپا و تحریم‌های بین‌المللی هسته‌ای، متغیرهای مهم تاثیرگذار بر چگونگی همکاری‌های ایران با سه کشور منطقه قفقاز بویژه جمهوری آذربایجان و گرجستان بود، اما سیاست روسیه در این منطقه بویژه در بخش نفت و گاز، نیز متغیر دیگری بود که در همکاری‌های اقتصادی ایران با این کشورها تاثیری قابل توجه داشت. روسیه به‌عنوان بزرگترین تولید و صادرکننده گاز و نفت به اروپا، ظرفیت‌های بالای ایران در این حوزه را به‌عنوان یک رقیب بالقوه نادیده

نگرفت. اهمیت این موضوع برای روسیه علاوه بر جنبه اقتصادی صادرات گاز که پیشران اقتصاد این کشور است، جنبه ژئوپلیتیک آن بود که می‌تواند اروپا را بیش از پیش به این کشور وابسته سازد.

توافق هسته‌ای ایران با پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل به‌علاوه آلمان و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ که با صدور قطعنامه ۲۲۳۱ شورا به تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران خاتمه داد زمینه گسترش همکاری‌های بیشتر ایران با کشورهای همسایه را فراهم کرد. از سوی دیگر با تشدید اختلاف‌های روسیه و غرب که در پی بحران اوکراین و پیوسته کردن شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه در سال ۲۰۱۴ صورت گرفت، ایالات متحد آمریکا و اتحادیه اروپا تحریم‌های سنگین و گسترده‌ای علیه روسیه اعمال کردند. تحریم‌هایی که نه تنها اقتصاد روسیه، بلکه کنترل قدرت سیاسی و ژئوپلیتیک این کشور را هدف قرار داد. روسیه به خوبی از این موضوع آگاه بود که باید فرصت‌های جدیدی برای مقابله با این سیاست ایجاد کند. بر این اساس روسیه رویکرد جدیدی مبتنی بر تقویت اوراسیاگرایی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز دنبال کرد و علاوه بر گسترش همکاری اقتصادی دوجانبه با همسایگان از جمله جمهوری اسلامی به استفاده از ترتیبات منطقه‌ای، توجه بیشتری کرد. در این زمینه ایجاد چارچوب همکاری مشترک با سه کشور قفقاز جنوبی در قالب چندجانبه و سازمان منطقه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیایی از نمودهای بارز سیاست خارجی روسیه شد. نتیجه روند فوق تقویت و گسترش همکاری‌های اقتصادی ایران با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان بود که بر اساس آمارهای موجود در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ روند رو به رشدی داشته است.

در این نوشتار، رفتار روسیه در گسترش همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز جنوبی، بر اساس تاثیر سیاست‌های آمریکا و اروپا علیه این کشور، همزمان با توافق هسته‌ای ایران که زمینه همکاری ایران و کشورهای غربی را مساعدتر می‌ساخت در چارچوب نظریه نوواقع‌گرایی بررسی شد. بر اساس یافته این پژوهش نتیجه این تحولات، گرایش روسیه به گسترش همکاری با همسایگان و کشورهای آسیایی و تقویت اوراسیاگرایی در روابط خارجی این کشور نسبت به گذشته بود. بر این اساس در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ توجه روسیه به همکاری‌های منطقه‌ای، با همسایگان از جمله ایران در قالب چندجانبه و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی بیشتر شد. شکل‌گیری همکاری‌های سه‌جانبه میان ایران، روسیه و جمهوری

آذربایجان، تقویت همکاری ایران با ارمنستان در چارچوب سازمان اقتصادی اوراسیا که روسیه عضو محوری آن می باشد و به آن اشاره شد از جمله تحولات در چگونگی همکاری های ایران با کشورهای قفقاز جنوبی طی سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ بوده که تغییر در رویکرد روسیه به همکاری های منطقه ای در قفقاز، می تواند از دلایل آن باشد.

### منابع و مأخذ

- خیری، مصطفی و ایزدی، رجب (۱۳۹۶)، «منافع روسیه در خارج نزدیک با تاکید بر ارمنستان»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۰۰: ۱-۲۴.
- دونایوا، یلنا (۱۳۹۵): «چشم انداز همکاریهای روسیه و ایران با دول دیگر و سازمانهای بین المللی برای تامین منافع مشترک (سازمان شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، کمربند اقتصادی راه ابریشم و چین)»، ویژه نامه همکاریهای ایران و روسیه ابعاد و چشم انداز، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، ۲۳۱-۲۴۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳)، نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی، نشر مخاطب، ۱۰۹-۱۱۰.
- راه نجات، میترا و کبیری، حسن (۱۳۹۷)، «واکاوی عوامل اقتصادی - امنیتی واگرایی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۲۵: ۹۵-۱۲۳.
- سازمند، بهاره و صوراناری، حسین (۱۳۹۸)، هویت و منافع روسیه در منطقه‌گرایی اوراسیایی، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۵۵.
- طهماسب (هانتر)، شیرین (۱۳۷۵)، «ایران، روسیه و جمهوری‌های جنوبی شوروی سابق»، ماهنامه گفتگو، شماره ۱۲، ۶۱.
- کولائی، الهه، اسلامی، محسن و اصولی، قاسم (۱۳۹۵)، «کنشگری امنیتی روسیه در قفقاز جنوبی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۵: ۱۱۹-۱۲۱.
- کولایی، الهه و علیزاده، شیوا (۱۳۹۵)، جستارهایی پیرامون دریای خزر، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۰۱-۲۱۵.
- مجتهدزاده، پیروز، حسین پور، پویان و کریمی پور یدالله (۱۳۸۷)، «تحلیل و بررسی همپوشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوپلیتیک»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۲ دوره ۱۲: ۲۳۳.
- نصری قدیر (۱۳۸۶) «روش شناخت در مکتب نئورئالیسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۶: ۲۲۲.
- تارنما معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران قابل دسترسی در <http://economic.mfa.ir>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۷/۲۵.
- تارنما خبرگزاری ایرنا سال ۱۳۹۵، قابل دسترسی در <https://www.irna.ir/news/82412260>، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۸/۶.

- اندیشکده مطالعات راهبردی، قابل دسترسی در <http://tabyincenter.ir/print/?print=27950> تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۸/۱۵.
- تارنما اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران، قابل دسترسی در <http://en.otaghiranonline.ir/news/22437>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۷/۱۷.
- تارنما سازمان توسعه تجارت ایران، قابل دسترسی در <https://news.tpo.ir>، تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۸/۱۴.
- Boricova Alexandra and Sergey Kislitsyn (2017), "Impact of U.S. Sanctions on Russian Fuel and Energy Complex", *USA\_Canada Journal*, (3): 204-205.
- Demidenko S.V (2014), "Iran's Regional Policy and Russian Interests", *Russian International Affairs Council (RIAC)*:61.
- Fatih Ostarsu, Mehmet & Mehmet Emin Erendor (2019), " Iranian Relation with Azerbaijan and Armenia a Coparative Approach in the Case of Pragmatist Politics, *BAİBÜ Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, (19):157-176. Availab at:<https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/680362>, Accessed on: 16/10/2020.
- Giragosian, Richard, (2019), " Paradox of Power: Russia, Armenia and Europe after the Velvet Revolution", *The European Council on Foreign Relations (ECFR)*,1-17. Available at: [https://www.ecfr.eu/publications/summary/russia\\_armenia\\_and\\_europe\\_after\\_the\\_velvet\\_revolution](https://www.ecfr.eu/publications/summary/russia_armenia_and_europe_after_the_velvet_revolution) Accessed on: 16/11/2020.
- Koolae, Elaheh and Hafezian, Mohammad Hossein, "Islamic Republic of Iran and the South Caucasus(2010), " *Iranian Studies*, Vol. 43, No. 3, 391- 406.
- Kouhi-Esfahani,M, (2019), " Iran's Foreign Policy in the South Caucasus Relations with Azerbaijan and Armenia", *Routledge*, 57.
- Kozhanov,Nikolay(2015), "Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations", *Carnegie Moscow Center*,1-22 ,Available at: [https://carnegieendowment.org/files/CP\\_Kozhanov\\_web\\_Eng.pdf](https://carnegieendowment.org/files/CP_Kozhanov_web_Eng.pdf) Accessed on: 16/11/2020.
- Oxenstierna Susanne and Per Olsson (2015), "The Economic Sanctions against Russia, Impact and Prospects of Success",*FOI*,1-93. Available at: [https://www.researchgate.net/publication/281619387\\_The\\_economic\\_sanctions\\_against\\_Russia](https://www.researchgate.net/publication/281619387_The_economic_sanctions_against_Russia), Accessed on: 18/11/2020.
- Shiriyev Zaur (2019), " Azerbaijan's Relations with Russia Closer by Default", *Chatham House*:1-34. Available at: <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/2019-03-14-Azerbaijan2.pdf> . Accessed on: 20/11/2020.
- Timofeev Ivan and Vladimir Morozov (2019), "Sanctions against Russia: 2018 Review and Forecast for 2019", *Policy Brief* (20):4.

- Weiss, Andrea and Zabanova, Yana (2017), “ The South Caucasus and Iran in the Post-Sanctions Era”, StiftungWissenschaft und *Politik (SWP)*,1.
- Asia Times (28/02/2019), Armenia Pitches Pipeline for Iranian Gas Export (28/02/2019).Available at: <https://asiatimes.com/author/alison-tahmizian-meuse/> Accessed on: 21/11/2020.
- Iranpress (14/08/2020), “Iran-Azerbaijan Discuss Ways to Expand Economic Relations”, Available at: <https://iranpress.com/iran-i148589> Accessed on: 21/11/2020.
- Geostat, *External Trade of Georgia 2019*, Available at: <https://www.geostat.ge/en/single-archive/3343#>, Accessed on: 21/11/2020.
- MFA Armenia(05.04.2019). Available at: <https://www.mfa.am/en/bilateral-relations/ir>. Accessed on: 20/11/2020.
- Global Edge. Available at: <https://globaledge.msu.edu/countries/georgia/tradestats>. Accessed on: 20/11/2020.
- Global Edge. Available at: <https://globaledge.msu.edu/countries/armenia/tradestats>. Accessed on: 20/11/2020.